

تیکت

هوای تازه واردها را داشته باشید

اول مهر بعضی‌ها با چند روز تأخیر شروع می‌شود؛ شاید توی کلاس شما هم کسی یا کسانی باشند که تازه هالان، بعد از یک هفته از شروع مدرسه، سر کلاس آمده‌اند. شاید مه‌برای خودتان در این سال‌ها پیش آمده باشد که به دلایل مختلف مثل بیماری، مسافرت، اثاث کشی و جابه‌جایی کمی دیرتر از دیگران به مدرسه برودید. این‌طور وقت‌ها سترس عقب ماندن از بقیه و ناراحتی از دست دادن دوست‌های قدیمی به مدرسه برطرف و حس مزخرف‌تاز هوار بدون، یک طرف دیگر، انگار افتاده باشی وسط جزیره آدم‌خوار ها. همه خودشان رفیق پیدا کرده و گروه دسته تشکیل داده‌اند و کافی است حرکت اشتباهی از تو سر بزند تا چاپ‌چپ نگاهت کنند و اسم رویت بگذارند. کمی آرام‌تر زیبا آن‌بی نوافقت چند روز دیرتر آمده دشمن که نیست. اتفاقا برای عادت کردن به جوتازه، به حمایت نیاز دارد. شاید خیلی باشما نجوشد و معنی‌اش این نیست که خودش را می‌گیرد؛ احتمالا می‌ترسد او این به نظر برسد یا ناگران است به عنوان دوست‌تاز؛ به‌ذیرفته نشود. بعد از مدتی البته همه چیز خودبه‌خود روبرو راه می‌شود، دیگر نه او از شما خوف می‌کند و نه شما، هیولا می‌بینیدش ولی همین روز‌های اول تاز هوار دی خیلی از آزار دهنده است. پس لطفاً تاز هوار در آبر پیدا؛ از آن چه تا قبل آذندش در کلاس گذشته با خبر ش کنید. اگر می‌تست مهمی را از دست داده، پیش‌نهاده کنید زنگ تفریح با هم رایش وقت بگذارد. او و بقیه بچه‌های کلاس را به هم معرفی کنید و سبوحی‌های هولاک و سر کار گذاشتن‌های م‌ب‌گارتان را بگذارید برای وقتی‌خ‌اش باز شد.

5.

یک خانواده با ۱۴ عضو ۶ انگشتی!

فاطمہ قاسمی | مترجم

چهار ده عضو از یک خانواده شلوغ برزلی، به دلیل یک بیماری ژنتیکی نادر با شش انگشت در هر دست و شش انگشت روی هر پا متولد شدند. این خانواده هم به تعدادشان و هم به تعداد انگشتان شان افتخار می کنند و حسابی معروف شده اند. این شش انگشتی ها به گفته خودشان باعث نشده است در کارهای روزمره دچار مشکل روگ تر از کار طبیعی است، برای بازی در بسکتبال، زموقن، یا بهمه این حرف ها احتمالا برای داشتن در مسر زیادی دارن!

خانه قدیمی، به راه افتاد

اگر فکر می کنید جابه جا کردن خانه، کل ساختمان یک خانه را می گویم، فقط توی کارتون ها (آپ را یادتان هست ؟) ممکن می شود باید بگویم که اشتباه می کنید.

یک عمارت تاریخی ۲۶۰ ساله در آمریکا جابه جا شد؛ آن هم ۸۰ کیلومتر. قضیه از این قرار است که یک خانواده احتمالا میله دار، از این عمارت تاریخی خوش شان می آید ولی دل شان می خواسته آدمها را شان را می کشند و می روند دنبال خانه نویشان را برمی دارند با قایق می برند به منطقه حدود یک میلیون دلار هزینه، خانه طی دو مرحله

منابع: [reuters](#), [mirror](#), [sputniknews](#)

21

برگ‌ها از کجای می‌فهمند وقت زرد شدن رسیده؟

مریم ملی | روزنامه نگار

این دلیل علاقه خیلی‌ها به پادشاه فضل‌ها بی‌نی
جز این که بعضی‌ها دوست‌دار ندبا بر گ‌های
بگیرند و شور شعری‌ای بیازی را در بیاورند، آن
بازی رنگ‌ها به صورت ناخودآگاه روی رو و
رد و سفید این فصل می‌شوند. برگ‌هایی که تا
پس کس محل شان نمی‌داد، آخر عمری که فرم و
شوند اما این رنگ‌ها از کجایی آید؟ برگ، کارخانه
در سنی‌تان خواننده‌ایم که از اکسید کربن و آب
می‌کند؛ گل‌گره‌ها تا همین‌اکنون به کار
که در بهار و تابستان مده‌اشیمیایی به نام کلروفیل
بینیم. حتماً دقت کرد ده‌ادید قتی به‌اواخر شهریور

صک

چطوری صبح پریم مدرسه؟

نزدیک می‌شویم کم‌کم زرد شدن برگ‌ها شروع می‌شود. با این که هوا هنوز خیلی سرد نشده است ولی واقعا گیاهان چطور به فهمند که پاییز دار. داز راه می‌رسد؟ گیاهان نور خورشید را می‌شناسند و تمام حواس شان به میزان نوری است که دریافت می‌کنند. با این حساب، اواخر شهریور و اوایل پاییز که روزها در حال کوتاه شدن هستند نور افتاب زمان کمتری به زمین می‌تابد گیاهان حدس می‌زنند که پاییز از راه رسیده و همین می‌شود که کم‌کم برگ‌ها زرد می‌شوند. کارخانه تولید غذای شان را پایین می‌کشند و کلروفیل شان را از دست می‌دهند. از دست رفتن کلروفیل فرایندی است که قبل از ریزش برگ‌ها به بیشترین سرعت ممکن می‌رسد. وقتی کلروفیل‌ها تمام شدند، ماده شیمیایی دیگری به اسم «کاروتنوئید» فرستی برای خوندمایی پیدای می‌کند. کاروتنوئیدها رنگدانه‌های طبیعی هستند که در اندامک‌های گیاهان وجود دارد و باعث ایجاد رنگ زرد، نارنجی و قرمز می‌شود.

● و این که در نهایت

● مهر بونی روبه جامعه تزریق کنیم

● با انرژی فراوان و انگیزه

و این که در نهایت

بیدار شین د بگه، رسیدم دم
در خونه. می خوام ناهار بخورم.
از صبح تو تا کسی من خوابین!

مهربونی رویه جامعه تزریق کنیم

شیرین! خودت رو وزن به خواب وگرنه باید برای حاج خانومه بلند بشیم!

من هیچ وقت همچنین کاری نمی‌کنم. چون من واقعا خوابم!

گالری

رفقا سلام!

پید دیروز تولد کی
دست به گوتی شبدین که
تین تا فہمین، باید بکم کہ خودشه!
وگل، رفیق مون دیروز تولد ۲۱ سالگی ائش رو
ن گرفت کہ این یعنی از همه شما بڑی تره و حق دارین
تین کہ قبل از تولد ائش، کاروبار جهان چطور می رفت ولی خوب
ری هم ندارد. خیلی راحت می شه فہمین یا یہ جست و جوی ساده!

۲۰۰۰۹۹۹
شماره پیامک
۰۹۳۵۴۹۴۵۷۶
شماره تلمکرام
۰۰۱۳۷۶۳۴۰۰
تلفن تحریریه

روزهای نو

روزهای فرد

سه چشم‌های عزیز! آدم فضایی‌های محترم!
با عینک‌های تازه ما، دیگر نگران آفتاب نباشید.

پیرس تا بگم

چرا هوادار کسی هستم که رفتار غلطی دارد؟

می‌دونم طرفدارای و کامنت گذاشتن برای خواننده‌ای که الفاظ بد به کار می‌بره،
محتوای آثارش را و همه بد تر رفتار شخصیش نامناسبه، خوب نیست امانمی‌دونم
چرا طرفدارش موند و چطوری باید قید این طرفدار رو بزنم؟

شادی شایان | کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی

در دوره نوجوانی، ما تلاش می‌کنیم هویتی برای خودمان پیدا کنیم تا بالاخره بفهمیم چه کسی هستیم و از جان خودمان و دنیا چه می‌خواهیم. پس جایگاه الگو دادن به بعضی افراد در این سن و سال، طبیعی است اما چطور ممکن است این الگو کسی باشد که رفتارهای غلطی دارد و ما به هواداری از او ادامه بدهیم؟ چطور خواننده‌ای که توی ترانه‌هایش ناسزا می‌گوید، بین افراد زیادی محبوب می‌شود و به رغم این که می‌دانیم یک جای کار می‌لنگد باز طرفدارش هستیم؟

خب می‌شود حدس‌هایی زد؛ از جمله این که همه ما درون‌مان بخش‌هایی داریم که به کارهای خلاف قانون و عرف جامعه، متمایل است اما قانون و آداب اجتماعی ما را ملزم می‌کند که فیلترهایی برای رفتارمان داشته باشیم و هر کاری دل‌مان می‌خواهد، انجام ندهیم. به این ترتیب، ممکن است جذب کسی بشویم که رفتارهای ضد اجتماعی دارد، بی‌پروا از الفاظ شست استفاده می‌کند و آرایش ظاهری و رفتارهای غیر متعارف دارد. رد کردن خط قرمزها، متأسفانه برای ما هیجان‌انگیز است پس کسی را که به آن‌ها اعتنایی ندارد، تشویق می‌کنیم یا شاید حتی بدمان نیاید شبیه او باشیم. این فرایند به‌طور ناخودآگاه در ذهن ما اتفاق می‌افتد و وقتی می‌توانیم تغییری در آن ایجاد کنیم که به آن آگاه شویم. از طرف دیگر، قرار گرفتن در گروه طرفداران یک خواننده و دیده شدن از طریق و لذت بخش است. این لذت، کار خروج از جمع هواداری و بی‌خیال احساس تعلق شدن را سخت می‌کند. تا این جای کار، فهمیدیم سیستم هواداری، چطور عمل می‌کند.

چطور قید طرفداری غلط را بزنیم؟

در باره قسمت دوم سوال، یعنی زند قید این طرفداری، چه می شود کرد؟ خب بخشی از راه را حاکم هفتمیدایم توی ذهن مان چه چیزهایی می گذر، درفته ایم. از این جابه بعد می توانیم انتخاب هر درستی شان مطمئن هستیم، پس بنسیم؛ این خواننده ای که گروه موسیقی محتوای کارهایش اعتراض و انتقاد است یا صرفاً رفتارهای ضد اجتماعی کسی که برایش وقت و انرژی هواداران صرف می کنم، چه ویژگی های بارفرد مهم مور دافقه، طبیعتاً می تواند همه معیارهای م را بر آورد و ملوئیت هایم را به خاطر او زیر پا بگذارد. من همچنان که رشد می کنم و جایگزینی نمی باشم؛ چون را که در دایره خواسته ها و ترجیحات من می جایگزینی می باشم؛ حاشی که دلایل طرفداری ام را می شناسم، بروم که حسن های بیشتر و اشتباه های کمتری داشته باشند.

شما هم می‌توانید سوالات تان را به شماره‌های بالای صفحه بفرستید تا به کمک کارشناسان به آن‌ها پاسخ بدهیم.

متن واجرا:
صابری - مرادی

وباز هم در نهایت

دخترم
به وقت به خاطر
این که جات روبه من
ندی خوابت نبراز
ایستگاه رد پشی ها!

کسی که خوابه رو
می شه بیدار کرد
اما کسی که خودش روبه
خواب زده، هرگز!

و این که در نهایت

بیدار شین دیگه، رسیدم دم
در خونه. می خوام با هار بخورم.
از صبح تو تا کسی من خوابین!